

آموزش تنبور

(مبانی)

کتاب اول

یاشار بهنود



سرشناسه: بهنود، یاشار
عنوان و نام پدیدآور: آموزش تنبیر (مبانی) جلد اول / یاشار بهنود.

مشخصات نشر: تهران: نای و نی، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۳ ج: مصور.

شاب: ۱ ج: ۱ : 979-0-802609-27-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: تنبیر -- آموزش

موضوع: تنبیر -- پارتنیون

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ پ ۹ ت/۱۵-۱ ML

رده بندی دیویی: ۷۸۹/۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۸۰۰-۸۲ م



نشر نای و نی

www.nayoney.com

نام کتاب: آموزش تنبیر (مبانی)

کتاب اول

تألیف: یاشار بهنود

طرح جلد: نازنین خراسانی

نئنگاری و صفحه آرایی: حمزه طاهری

ناظر فنی چاپ: هادی موسوی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

شاب: ۳-۲۷-۹-۸۰۳۶۰۹-۰۰۹۷۹

قیمت کتاب به همراه CD: ۷۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای نشر نای و نی محفوظ است.

فروشگاه مرکزی:

تهران - خیابان انقلاب - روبروی درب اصلی دانشگاه تهران

پاساژ فروزنده - طبقه اول - شماره ۴۰۹

تلفن: ۶۶۴۹۳۲۷۸-۹

تقدیم به مادر و پدر
خنیانگران مهربانی و شکیبایی

یاری‌های دوست مهربان و صبورم جناب آقای حمزه طاهری و دوست هنرمند و پرشورم جناب آقای شهرام صادقی‌نیا اگر نبود، این کلمات بر کاغذ نمی‌نشست. از ایشان متشکرم.

مدیر محترم نشر نای‌ونی، با دقتی که تنها شایسته‌ی ایشان است، این کتاب را مطالعه کردند و با راهنمایی‌های ایشان بود که توانستم عدم انطباق با استانداردها را رفع کنم تا هنرجو بتواند کتابی شایسته و استاندارد در دست داشته‌باشد. از ایشان ممنونم.

یاشار بهنود متولد سال ۱۳۵۵ شمسی در تبریز است. وی نواختن تنبور را از کودکی نزد پدر بزرگ خود استاد جواد دوستی آغاز کرد. استاد جواد دوستی از شاگردان استاد عابدین خادمی بود و در نواختن مقامات حقانی تنبور از شیوهی تنبورنوازی گوران تبعیت می کرد. یاشار بهنود در سنین نوجوانی با استاد پیرو نیا آشنا شد و به توصیهی ایشان، آموزش مقامات مجلسی و مجازی تنبور را نزد آقای نادر غضنفری آغاز کرد. آقای نادر غضنفری نیز از شاگردان استاد سید امیر الله شاه ابراهیمی است و از شیوهی تنبور نوازی صحنه تبعیت می کند. وی در سال ۱۳۷۹ سرپرستی گروه تنبور نوازی مشتاق را که از سال ۱۳۵۹ به سرپرستی آقای نادر غضنفری اداره می شد، بر عهده گرفت و تا کنون با همراهی این گروه، کنسرت های متعددی را در داخل و خارج از کشور اجرا کرده است. وی فارغ التحصیل دانشگاه تبریز در رشتهی مهندسی مکانیک بوده و فعالیت شغلی اش را در راستای مدرک تحصیلی اش ادامه می دهد.

فهرست

۶	۱. پیشگفتار
۸	۲. به نامت و به یاریت
۹	۳. دیباچه
۱۰	۴. تنبور
۱۵	۵. صدا
۱۵	۶. نام‌گذاری نُت‌ها و تقسیمات نُت
۱۹	۷. ریتم و میزان‌نما
۲۰	۸. زخم (زخمه)
۲۵	۹. دروس
۲۶	❖ درس ۱
۲۷	❖ درس ۲
۲۸	❖ درس ۳
۲۹	❖ درس ۴
۳۰	❖ درس ۵
۳۱	❖ درس ۶
۳۲	❖ درس ۷
۳۳	❖ درس ۸
۳۴	❖ درس ۹
۳۵	❖ درس ۱۰
۳۶	❖ درس ۱۱
۳۸	❖ درس ۱۲
۳۹	❖ درس ۱۳
۴۰	❖ درس ۱۴
۴۱	❖ درس ۱۵
۴۲	❖ درس ۱۶
۴۳	❖ درس ۱۷
۴۴	❖ درس ۱۸
۴۵	❖ درس ۱۹
۴۶	❖ درس ۲۰
۴۷	❖ درس ۲۱
۴۸	❖ درس ۲۲
۴۹	❖ درس ۲۳
۵۰	❖ درس ۲۴
۵۱	❖ درس ۲۵
۵۲	❖ درس ۲۶
۵۳	❖ درس ۲۷
۵۴	❖ درس ۲۸
۵۵	❖ درس ۲۹

۱. پیش گفتار

روزی دوستی عزیز، شرایط انعقاد صحبت را برایم شمرد: رخصت، فرصت، ضرورت. باری، روزها گذشت و روزگار طوری چرخید که فرصت سوال از این دوست، در مورد منبع این نقل قول را از دست دادم. نمی‌دانم این شروط از طرف کدام انسان آگاه کشف شده‌اند ولی هر بار که صحبتی سازنده و اثربخش منعقد شده‌است، شاهد حضور این سه شرط بوده‌ام. انسانی که مقرر است صحبت از جانب او آغاز شود، به گمانم موظف است حضور یا عدم حضور این سه شرط را بررسی نماید. به عنوان نویسنده‌ی این کتاب، امروز خودم را موظف به پایش و اندازه‌گیری این سه شرط در مورد این کتاب می‌دانم. با توجه به این نکته که صحبت فرایندی است جاری که جریان آن موقوف وجود دو حضور مجزای خطیب و مخاطب است، می‌توان دید که شرط اول، موقوف مخاطب است. یعنی خطیب رخصت سخن گفتن می‌خواهد از مخاطب و این مخاطب است که رخصت صحبت می‌دهد. حالا که این کتاب در دست شماست، این رخصت را به من داده‌اید که شروع به سخن گفتن کنم و از این بابت از شما ممنونم. شرط دوم یعنی فرصت را هر دو حضور باید داشته‌باشند. یعنی خطیب باید فرصت سخن گفتن و مخاطب باید فرصت شنیدن داشته‌باشد. دست طبیعت با من مهربان بود و به من فرصت سخن گفتن داد. می‌توانم این امید را داشته‌باشم که شما نیز فرصت شنیدن داشته‌باشید و حالا که این کتاب را تهیه کرده‌اید، بتوانید با آسودگی خیال آن را مطالعه‌کنید. سخن را تا اینجا ادامه‌دادم تا در مورد سومین شرط، توضیحاتی بدهم: ضرورت

این شرط، تفاوتی با سایر شروط دارد: تشخیص آن نه با شنونده، که با گوینده است. یعنی من به عنوان نویسنده‌ی این کتاب، باید نوعی مجاب می‌شدم که زمان نوشتن این کتاب رسیده‌است و ضرورت این نوشتن را حس می‌کردم و گرنه از انعقاد ثمر بخش این صحبت، مطمئن نمی‌شدم.

سوال این است: آیا نوشتن این کتاب ضروری است؟

۱ - با نگاهی به مجموعه‌ی کتاب‌های موجود در زمینه‌ی موسیقی، به سادگی می‌توان به کمبود منابع مکتوب در مورد ساز تنبور، نسبت به سایر سازها پی‌برد. این فقر تنها با تلاش نوازندگان و معلمان این ساز از بین خواهدرفت و یکی از دلایل ضرورت چاپ این کتاب، تلاش در جهت افزایش منابع مکتوب علمی در مورد تنبور است. با توجه به نوپا بودن این ساز مهجور، در عالم علم جدید- که همه چیز در آن با نوشتن اعتبار می‌یابد- می‌توان نتیجه گرفت که تکوین روش تدریس مکتوب این ساز، زمان خواهدبرد و شیوه‌ی تدریس و حتی نت-نویسی تنبور تا رسیدن به استاندارد تقریباً جامع، هنوز راهی درپیش دارد.

۲- ساز تنبور تفاوت‌هایی اساسی با سازهای سه‌تار و تار دارد. این تفاوت‌ها را می‌توان در بازه‌های مختلفی از جمله سرگذشت متفاوت، رپرتوار متفاوت، نوع نگاه خاصی که نوازندگان و مخاطبین این ساز، نسبت به آن دارند، تفاوت‌های واضح تکنیک نوازندگی (در هر دو دست راست و چپ) و ... مشاهده کرد. با توجه به این تفاوت‌های بارز، نمی‌توانستم شیوه‌های تدریس سه‌تار و تار را به عنوان الگویی برای تالیف شیوه‌ی تدریس تنبور بپذیرم. حدود ده سال پیش با ساز باغلاما آشنا شدم. این ساز نیز یکی دیگر از سازهای کهن و ارزشمند آذینی است که توسط علویان آناطولی و در آئین‌های علویان نواخته می‌شده‌است. امروز، این ساز به‌عنوان ساز ملی ترکیه در جهان معرفی می‌شود و استفاده از آن تنها منحصر به آئین‌های عبادی علویان نیست. با نگاهی به سیر نفوذ باغلاما در ارکسترها و ترکیب با سایر سازها و با توجه به پتانسیلی که در ساز تنبور سراغ‌دارم و اقبالی که این روزها نسبت به تنبور به وجود آمده‌است، تصمیم گرفتم تا سیر تکوین شیوه‌ی تدریس ساز باغلاما را مطالعه کنم و تغییر زاویه‌ی دید نسبت به آموزش باغلاما را طی پنجاه سال اخیر در نظر بگیرم تا مگر بتوانم تجربیات معلمین باغلاما را در شیوه‌ی تدریس خودم دخیل کنم. طی سفرهایی که به ترکیه داشتم، طیف متنوعی از روشهای تدریس قدیمی، تا مدرن‌ترین متدهای تدریس را تهیه کردم. شیوه‌ای که در این کتاب برای آموزش تنبور در نظر گرفته شده‌است، بر مبنای این مطالعات و با الهام از شیوه‌ی تدریس باغلاما - که از زوایای مختلف، بسیار نزدیک تر از سه‌تار و تار به تنبور است - تالیف شده‌است و این دومین دلیل برای ضرورت چاپ این کتاب است.

۳- وزن‌خوانی واژگانی، روشی بسیار خوب و موفق در آموزش کشتن نت‌ها است. این شیوه‌ی آموزش، در بسیاری از کشورها و بسیار پیش تر از کشور ما به کار گرفته شده و از آن به عنوان شیوه‌ای موفقیت آمیز در آموزش کشتن نت یاد شده است. چند سال پیش با کتاب وزن‌خوانی واژگانی نوشته‌ی آقای ارشد همایونی آشنا شدم و در کلاس‌هایم آموزش کشتن نت با کمک وزن‌خوانی واژگانی را شروع کردم. نتیجه بسیار خوب بود و هنرجو به آسانی می‌توانست با مفهوم کشتن نت آشنا شود و این برایم بسیار رضایت بخش بود. از آن روز تا به حال، آموزش وزن‌خوانی واژگانی را به صورت بخشی جدانشدنی از آموزش تنبور، در دستور کار کلاس‌هایم قرار داده‌ام. این شیوه در تمامی دروس موجود در این کتاب گنجانیده شده است و این سومین دلیل من است برای شکل‌گیری شرط سوم یعنی ضرورت.

در تدوین این کتاب، سعی شده است دقت کافی در انتقال مطالب و درج‌ترین نکات اعمال شود، ولی ذکر این نکته ضروری است که این کتاب، یک کتاب خودآموز نیست و یا حداقل هدف اصلی‌ام، تالیف کتاب خودآموز برای تنبور نبوده است. کتابی که در دست دارید، بخش اول از مجموعه آموزش تنبور است که از چهار قسمت مبانی، تصانیف ۱، تصانیف ۲ و مقامات مجلسی تشکیل شده است. این مجموعه، جهت پیگیرندی مطالب مورد نیاز برای هنر آموز و هنرجوی تنبور تالیف شده است. در بخش اول که اکنون در دست شماست، بیشتر به آشنایی با موسیقی و نت خوانی و مبانی تنبور نوازی پرداخته شده است. میزان نماها دو ضربی هستند (دو-چهار و شش-هشت) و از پرداختن به سایر میزان‌ها صرف نظر شده است. در بخش دوم یعنی تصانیف ۱، بحث میزان نما با دقت و دامنه بیشتری ارائه شده و به صورت تخصصی‌تر به تنبور نگاه شده است. دروس کتابهای تصانیف ۱ و ۲، تصانیف‌هایی هستند که توسط اساتید به نام تنبور خلق شده‌اند و به عنوان مدخلی مناسب برای ورود به جهان تنبور شناخته می‌شوند. در نهایت، در بخش سوم، هنرجو با مقامات مجلسی تنبور آشنا می‌شود و قدم به دنیای اساطیری تنبور می‌گذارد.

بدیهی است که استفاده بهینه از مطالب موجود در این مجموعه، منوط به یادگیری آن نزد آموزگار تنبور است و انتشار کتب آموزش تنبور، هدفی غیر از پدید آوردن خودآموز دارد. هنرجوی تنبور با تسلط بر نت خوانی و نت نویسی، با زبان مشترک دنیای موسیقی آشنا می‌شود و خواهد توانست به کمک این ابزار با نوازندگان سایر سازها شروع به گفتگو کند. به باور من، این گفتگوی سازها، دنیاهای هر دو نوازنده را غنی‌تر خواهد کرد و دروازه‌ای به سوی خلق زیبایی‌های تازه، باز خواهد کرد.



۲. به نامت و به یاریت

و آفریدی این امواج خروشان را. کوه، دشت، پروانه، همه و همه غوطه می خوریم
در این امواج و غرق در این نوسان سعی در همراهی اش داریم و خود بی خبر از این همه.
دستی یاری گر که از درون یاری مان کند. آتش مقدسات را، آتش عشق را شعله ورت
نماید و بی آشنای تو را به مشام این ره گم کردگان وادی تعلیق رساند. سعی داریم آن چه
را که خود در این وادی فرا گرفته ایم، با فروتنی فرا روی شما یاران، پیش کش نموده و از
دل پرنورتان تمنای دعا داشته باشیم. تقصیر، بخشی از وجود ما است و چشم پوشی، زینت
روح شما و صدالبته هر رهروی نیازمند راهنمایی است و منت دار راهنما.

یادوست

۳. دیباچه

در این کتاب، سعی کرده‌ایم ابتدا معرفی کوتاهی در مورد تنبور داشته باشیم. سپس با زبانی بسیار ساده در مورد تئوری موسیقی صحبت خواهیم کرد. این بخش برای ایجاد خودباوری در هنرجو و در اختیار گذاشتن ابزارهایی برای استفاده از این کتاب مطرح شده است.

در بسیاری از مواقع دیده‌ایم که سختی پله‌های اول، ما را از رسیدن به هدف و دستیابی به آن منصرف کرده است. درحالی که اگر کسی در ابتدای راه با ما می‌بود و می‌توانست همین پله‌های اول را در نظر ما ساده جلوه دهد، چه بسا تا آخر راه را بدون خستگی می‌پیمودیم.

در بخش زخمه (مضرب) علائمی را معرفی می‌کنیم که مختص مضرب کاری در ساز تنبور است. این علائم با توضیحات کافی و نمایش حالت‌ها توسط تصاویر ارائه می‌شوند. با توجه به این که هنوز سیستم منسجم و واحدی برای نت‌نویسی تنبور ارائه نشده است و پس از مشورت با اساتید به نام این ساحت، مقرر شد سیستم پیشنهادی خودمان را برای اجرای قطعات ارائه کنیم و امید داشته باشیم که روزی شاهد ایجاد سیستم یک‌پارچه و واحدی برای نت‌نویسی تنبور باشیم.

بخش نهایی، حاوی دروسی است که با استفاده از مطالب آورده شده در کتاب، به سادگی قابل اجرا هستند. توضیحات مابین دروس می‌کوشند تا فضای خشک تئوری به فضایی قابل تحمل‌تر برای روح حساس هنرجو تبدیل شود.

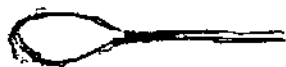
در مورد ریتم و فهم بیشتر و بهتر آن، سعی شده است از کتاب ارزشمند وزن‌خوانی و ازگانی^۱ نوشته آقای ارشد تهماسبی استفاده شود تا هنرجو بتواند هر چه ساده‌تر و سریع‌تر خود را با ریتم‌های مختلف هماهنگ کند.

و امیدواریم این همه بهانه‌ای باشد برای افزایش احساسات مشترک

و ایجاد همدلی

که هدف غایی خلقت است

برای عاشق



۴. تنبور

در مورد ساز تنبور ابتدا دو مرجع برای استفاده‌ی دوستان معرفی می‌کنیم. دوستانی که علاقه‌مند به کسب اطلاعات در مورد تاریخ‌پیدایش و تکوین این ساز و آداب و رسوم و به عبارت کلی فرهنگ آن هستند، می‌توانند به کتاب *تنبور از دیر باز تا کنون*^۱ نوشته مرحوم استاد سید خلیل عالی‌نژاد مراجعه کنند.

در مورد مسائل فنی و تکنیک تنبور نوازی نیز *دائرة المعارف موسیقی سازهای ایران*^۲ نوشته آقای محمدرضا درویشی، بهترین مرجع برای استفاده است.

من در این جا می‌خواهم از جنبه‌ی احساسی به این ساز بنگرم. این متن را یکی از دوستان برایم نوشته‌اند:

بارها و بارها به این مساله فکر کرده‌ام که چه حسی یا چه نیرویی است که مرا به سوی تنبور می‌کشد؟ بعد از ظهر تابستان است. خسته از کار روزانه و کلافه از گرما به خانه می‌روم. مطمئن هستم که توان هیچ گونه فعالیت فکری یا جسمی را ندارم. وارد اتاق می‌شوم. گوشه‌ی اتاق فضایی است متفاوت با سایر مکان‌ها. خود را به بی‌خیالی می‌زنم. ولی مقاومت بی‌فایده است. اینجا دریچه‌ای است که مرا و به گمانم همه را با نیرویی شگرف بسوی خود می‌کشد. آیا من تنبور می‌نوازم یا این تنبور است که با سجد اسرارآمیز خود تارهای وجودم را لمس می‌کند و مرا وادار به حرکت و پویا و آفرینش می‌کند؟

سیر نفوذ این ساز در دل‌ها سیری زیباست. آرام و بی‌صدا، پر قدرت و به یادماندنی است. در پس شوریدگی و بی‌قانونیِ ظاهری‌اش که زیبا و فریبنده است، یک باطن بسیار منظم و نقیذ و پیچیده چشم به راه نشسته است.

منتظر است تا شوریده‌ای از وادی جنون، بی‌پروا و ناخواسته وارد این اقلیم شود. نیم‌نگاهی کافی است. نجواها فرو می‌نشینند. ناله‌ها و شکایت‌ها خاموش می‌شوند. سکوت، عظمت خود را می‌نمایاند. این جاست که تماشا مفهوم می‌یابد. این جاست که عشاق با چشم‌دل می‌بینند آنچه را که یگانگی است و یک‌رنگی.

برگرفته از سایت www.sabamusic.se



تنبور که معرب آن طنبور است، دارای شکمی گلابی شکل و دسته‌ای دراز است که بر روی آن از ۱۰ تا ۱۵ پرده بسته می‌شود. رویه‌ی جلویی شکم، چوبی است. دسته‌ی این ساز، مانند سه‌تار به سه‌ساز متصل است و سر، در حقیقت ادامه‌ی دسته است که بر روی سطوح جلویی و جانبی آن، گوشه‌هایی کار گذارده شده که سیم‌ها به دور آنها پیچیده می‌شوند. در قدیم دو تار بر آن می‌بست‌اند و اکنون سه تار هم بر آن می‌بندند. بعضی برای تقویت صدا، شش تار هم بر آن می‌بندند. سیم‌های تنبور چهار عدد بوده و معمولاً به فاصله‌های مختلف کوک می‌شده است. این ساز معمولاً بدون مضراب و با انگشت نواخته می‌شود. چنان‌که در تاریخ موسیقی ایران نوشته شده، در قدیم، سازی به نام تنبور وجود داشته و از آن انواع مختلفی ذکر کرده‌اند، مثلاً گفته شده که فارابی^۳، تنوری دان مشهور موسیقی ایران، تنبور بغدادی و تنبور خراسان را دستان‌بندی کرده است^۴.

^۱ تنبور از دیرباز تا کنون - سید خلیل عالی‌نژاد - تهران ۱۳۷۶

^۲ دائرة المعارف موسیقی سازهای ایرانی - جلد اول - محمد رضا درویشی - انتشارات ماهور - تهران ۱۳۸۰

^۳ ابو نصر محمد بن محمد فارابی معروف به فارابی (حدود سال ۲۶۰ هجری - سال ۳۲۹ هجری)

^۴ سازشناسی - پرویز منصوری